



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

این ماییم که غاییم



جوادی آملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این ماییم که غاییم

نویسنده:

آیت الله جوادی آملی (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ این ماییم که غایبیم
۶ مشخصات کتاب
۶ این ماییم که غایبیم
۸ پاورقی
۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

این ماییم که غایبیم

مشخصات کتاب

نویسنده: جوادی آملی ناشر: موعود

این ماییم که غایبیم

جریان مهدویت نظیر پنج جریان دیگری است که قرآن کریم مطرح کرده و از حکم عام آن پنج جریان جدا نیست این جریان خمسه عبارت از ربوبیت نبوت امامت روحانیت و ایمان است قرآن کریم ذکر می‌کند که وقتی هر کدام از این پنج جریان در جامعه مطرح شده است عده‌ای در برابر اینها موضع گرفته انکار و نفی کرده‌اند، اول اعراض و بعد اعتراض کرده‌اند و سپس به معارضه برخاسته‌اند. ولی صاحب آن سمت تلاش و پیگیری داشت و این را در جامعه تثبیت کرد. نکول اینها به قبول و انکارشان به اقرار تبدیل شد، گفتند چنین چیزی حق است لکن مصداقش ماییم نه آنکه شما می‌گویید! در تمام پنج جریان این بحث مطرح بود. اول جریان ربوبیت بود که انبیا (ع مسئله ربوبیت خدای سبحان را مطرح کردند که جامعه بشری نیازمند پرورنده سید، مالک مولا و رب است اینها در برابر تفکر ربوبیت ایستادند و گفتند: «ما ربّ العالمین»، [۱] این ربّ العالمین که شما (موسی و هارون ما را به آن دعوت می‌کنید، کیست تعبیر به «ما» کردند، نگفتند «من ربّ العالمین»، گفتند: «ما ربّ العالمین» وقتی موسی کلیم (ع با برهان ثابت کرد «ربنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی [۲] آن برهان را با معجزه تثبیت کرد، دستگاه فراعنه مصر، ربوبیت را پذیرفتند و قبول کردند که جامعه بشری محتاج ربّ است ولی گفتند آن ربّ ماییم «أنا ربکم الاعلی [۳] «ما علمت لکم من إله غیری»، [۴] یعنی اول اعراض و اعتراض و معارضه بود، بعد که این تفکر جا افتاد جعل بدل شد و ربّ نما را به جای ربّ گذاشتند. جریان دوم جریان نبوت و رسالت انسان کامل از طرف ذات اقدس اله است وقتی انسانهای صالح و سالک مدعی نبوت و رسالت بودند. اینها می‌گفتند مگر بشر می‌تواند پیام آور از طرف خدا و رابط بین خلق و خدا باشد. اگر رسالتی هست مال فرشته‌ها است بشر این سمت را ندارد، وقتی با برهان و معجزه مسئله نبوت تثبیت شد، اینها ناچار شدند از انکار به اقرار منتقل شوند و قبول کنند که بشر می‌تواند پیامبر باشد و جامعه هم نیازمند پیامبر است ولی گفتند، پیامبر شما نیستید، مثلاً «مسئله است آمار متبیین کم‌تر از آمار انبیا نیست اگر ۱۲۴ هزار یا کم‌تر یا بیشتر نبی از طرف ذات اقدس اله برای اصلاح فرد و جامعه مأموریت پیدا کرده‌اند، به همان رقم و عدد، متبیین داریم «لکلّ موسی فرعون همین جاست جریان سوم جریان امامت و خلافت است وقتی رسول خدا (ص رحلت کرده است جانشین دارد. برای تعیین جانشین هم غدیر و امثال غدیر تشکیل شده است اینها در درجه اول منکر مسئله خلافت نصبی و امثال ذلک می‌شدند و می‌گفتند چنین چیزی در کار نیست و پیامبر کسی را به عنوان خلیفه نصب نکرده است این همان مردم سالاری است و دیگر مردم سالاری دینی نداریم هر کس را مردم انتخاب کردند، مشروعیت و مقبولیتش هر دو به دست مردم است این همان است که عامه می‌گویند که اجماع مردم حجت است به گفته مرحوم شیخ انصاری «هو الاصل لهم و هم الاصل له همین است هر که را مردم انتخاب کردند رهبر جامعه می‌شود. امامت به آن معنا که معصوم و منصوب باشد نیست اینها مسئله امامت را خیلی نازل کردند و آن را پایین آوردند. عصمت را انکار کردند تا خودشان بتوانند به جای پیامبر بنشینند و همین کار را هم کردند. بعد از این بود که جامعه فهمید. وقتی وجود مبارک رسول اکرم (ص که در مسائل جزئی و موارد اختلاف خلیفه و جانشین تعیین می‌کردند، چگونه می‌شود برای حکومت دینی نظام اسلامی و اصل دین خلیفه تعیین نکنند، آمدند و پذیرفتند که نصب حق است ولی مخصوص درباره حضرت علی (ع نیست نسبت به دیگری است سیدنا الاستاد، مرحوم علامه طباطبایی (ره می‌فرمودند: اخیراً ما به این نتیجه رسیده‌ایم هر روایتی که در فضیلت وجود مبارک حضرت امیر پیدا شده یقین داریم که مشابه آن درباره اولی و دومی جعل

شده است منتظر بودند ببینند چه فضیلتی از طرف پیامبر (ص) درباره حضرت امیر (ع) هست فوراً مشابه این را برای آنها جعل می‌کردند. اگر پژوهشگری جست‌وجو کند، پیدا می‌کند. پس اینها اول جریان منصوص بودن و منصوب بودن را نمی‌پذیرفتند بعد کم‌کم دیدند که جامعه می‌پرسد، چگونه می‌شود آن کسی که عقل کل است امور را رها کند؟ اینها هم گفتند: بله درست است ولی منصوص و منصوب زید است نه عمرو. چهارمین جریان جریان روحانیت است که وجود مبارک پیامبر (ص) فرمود (ع) نیز فرمودند: علما وارثان انبیا هستند. [۵] حالا بحث لفظی نیست که علما هستند یا روحانیون شما بگویید علما، آن که می‌گوید اسلام منهای روحانیت نمی‌گوید عالمان دین حوزه‌ها و مراجع باشند ولی به نام علما باشند نه به نام روحانیت او با اصل جریان مخالف است نه این که اسمش عوض شده باشد. می‌گویند: خدا که واسطه نمی‌خواهد. بله خدا واسطه نمی‌خواهد، ولی معلم می‌خواهد یا نه! مفسر می‌خواهد یا نه! مبین می‌خواهد یا نه! در جریان چهارم تا جایی که امکان داشت با مسئله روحانیت و علمای دین و امثال ذلک مبارزه کردند، بعد دیدند که نه نمی‌توان گفت مکتب مفسر، مبین و مبلغ نمی‌خواهد، و این نیاز، ضرورت جامعه دینی و اسلامی است پذیرفتند که چنین چیزی باید باشد. منتها علمای دربار را ساختند، و عاظ سلاطین درست کردند و گفتند: اینها علمای راستین هستند. این علمای مشایخ و خود فروخته‌های درباری یا مسئله بلعم باعورا که قرآن کریم مطرح می‌کند، از همین قبیل هستند. جریان پنجم جریان ایمان است در جامعه افرادی هستند که به خدا، قیامت و وحی نبوت کتاب و سنت معتقدند. عده‌ای در برابر ایمان اعراض و اعتراض و معارضه داشتند. گفتند: ایمان چیست بعد وقتی ایمان به انبیا در جامعه جا افتاد همین‌ها گفتند ما مؤمنیم نه شما! اینجا مسئله نفاق پدید آمد. نفاقی که قرآن مطرح می‌کند این‌طور نیست که مثلاً آنها واقعاً از اول ایمان را قبول داشتند که بگویند ایمان حق است و بعد منافق شده باشند. بیان نورانی امیرالمؤمنین (ع) در این باره چنین است «ما أسلموا و لكن استسلموا...».

[۶] اینها که مسلمان نشدند بلکه به ظاهر تسلیم شدند. یعنی ابوسفیان و معاویه و امثال اینها، زندگیشان به دو بخش تقسیم شد، قبل از فتح مکه کافر مطلق بودند بعد از فتح مکه منافق مطلق شدند. اینها لحظه‌ای هم مسلمان نبودند و تا ممکن بود در برابر ایمان و مؤمنان مبارزه کردند. بعد وقتی دیدند ایمان در جامعه حاکم شد، گفتند: ما مؤمنیم این جریان خمسه‌ای که قرآن کریم ذکر می‌کند شامل جریان مهدویت هم می‌شود. در جریان مهدویت کم نبودند عده‌ای که می‌گفتند چگونه می‌شود کسی به نام امام زمان باشد و ظهور کند. بعد کم‌کم مهدویت شخصی تبدیل به مهدویت نوعی شد و مدعیان فراوانی پیدا کرد. جریان باییت و بهائیت و امثال ذلک از این قبیل است می‌بایست پژوهشگران و محققان بسیار ژرف‌اندیشی داشته باشید تا آنچه را درباره وجود مبارک حضرت (ع) است از هم تفکیک کنند. باید مدعیان رؤیت بساطشان را جمع کنند، چون افراد به شدت به حضرت علاقه‌مند و ارادتمندند، اگر کسی ادعای رویت کند و ظاهرالصلاح هم باشد ممکن است مقبول قرار بگیرد و این مشکلات فراوانی دارد. در جریان رؤیت باید این کارها روشن شود، خیلی از موارد است که انسان بیمار دارد شفا پیدا می‌کند یا گمشده‌ای دارد، پیدا می‌کند. اما آیا اینها به وسیله شخص حضرت است یا اولیای فراوانی که زیر نظر حضرت هستند و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد؟ یا این که یکی از اولیای خود را اعزام می‌کند؟ هیچ برهانی بر مسئله نیست که مثلاً آن کسی که شخص گمشده را به منزل می‌رساند یا مشکل کسی را حل می‌کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت هستند. حضرت ممکن است به یکی از اینها دستور داده باشند و آن مشکل حل شود. در بعضی از موارد آن تمثالات نفسانی را انسان مشاهده می‌کند و خیال می‌کند واقعیت است این بخش اول که مشهود است تمثالات نفسانی بوده باید از واقعیت بینی جدا شود. در بخش دوم که حقیقتاً کسی را می‌بیند و مشکل او حل می‌شود یا شفای مرضی بوده یا گمشده‌ای را به مقصد می‌رساند؛ در این‌جا نیز هیچ برهانی ندارد که حضرت باشد یا شاگردی از شاگردان او. حضرت شاگردان فراوانی دارد. این سیصد و سیزده نفری که هستند الان ممکن است افراد فراوانی باشند که تحت تدبیر آن حضرت مأموریت‌هایی را انجام می‌دهند. بخش سوم آن است که نظیر مرحوم بحرالعلوم خدمت خود حضرت می‌رسد. این را هم بعضی منکر هستند، ولی این هیچ استبعادی ندارد، بلکه امکان هم دارد. اما در این بخش دو مسئله وجود دارد:

۱. فرد حق ندارد بگوید من خدمت حضرت رسیده‌ام ۲. ما حق نداریم قبول کنیم به ما گفته‌اند که شما تکذیب کنید، یعنی نگویید او دروغ می‌گوید، بلکه اثر عملی بار نکنید، تکذیب به معنای این که شما دروغ می‌گویید و حضرت غیر قابل دیدن است نیست چند وقت قبل چند نفری از تهران آمده بودند - غالباً بانوان بیش از آقایان به مسئله رؤیت و خدمت حضرت رسیدن و این مسائل دل می‌سپارند - اینها به قدری ساده بودند که خیال می‌کردند خدمت حضرت رسیدن مثل خدمت یک مرجع رسیدن است نامه‌ای آوردند که دوشنبه که خدمت حضرت می‌رسی این نامه را خدمت حضرت بده این یک آفتی است در چنین زمینه‌ای است که «سیدعلی محمد باب ها رشد می‌کنند. امام (ع) وحید دهر است مثل شمس آسمان است همانطور که شما با دستتان نمی‌توانید به آفتاب برسید، نمی‌توانید به این راحتی به امام برسید. در این فضا و بازار آشفته نحله‌ها پیدا می‌شود. «مَلَلٌ رَا انبیا (ع) آوردند و «نَحْلٌ رَا همین‌ها، اگر آمار متنبیان کمتر از انبیا نیست منحولها و مجعولها نیز کم‌تر از مثبت‌های معقول نیستند؟. حالا اگر شیادی اینها را ببیند، چه بازی درمی‌آورد. اینها یکی دو بار باورشان می‌شود و بعد، وقتی کشف خلاف شد از اصل برمی‌گردند. این قصه را شما هم گفته‌اید و شنیده‌اید که در روز مرگ ابراهیم پسر پیامبر (ص) خورشید گرفت عده‌ای گفتند: مرگ پسر پیامبر در آسمان اثر کرده است پیامبر همه را در مسجد جمع کرد و فرمود: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ... لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ». [۷] سوء استفاده از ضعف فهم مردم خطر فراوانی به دنبال دارد، چون در این صحنه آن کس که عوام‌تر و بازیگرتر است پیروز است در سالهای دفاع مقدس در وجه به وجه صحنه جنگ بسیجیها می‌گفتند «یا اباصالح المهدی و کشور را حفظ می‌کردند. او کمک می‌خواهد، نه مثل این عوام که می‌گویند روز دوشنبه خدمت حضرت می‌رسی نامه را به ایشان بده درباره غیبت حضرت مهدی این ماییم که غایبیم اعمی از بصیر غایب است نه بصیر از اعمی اگر یک نابینایی دوست خودش را نمی‌بیند آن دوست غایب نیست این نابینا غایب است این چنین نیست که حضرت غائب باشد. اصل امیدواری بشر به آینده خوبی که جز عدل و احسان چیزی حکومت نکند، در درون همه هست یک مقدار محققانه‌تر و علمی‌تر در فطرت مسلمانها این است که اینها به دنبال مهدی منتظر موعودند، نه مهدی موجود موعود. این خصیصه مال شیعه است که او مهدی موجود موعود را به انتظار نشسته است اگر موجود موعود است ما غیر از انتظار و امید، مسئله مراقبه و رابطه هم داریم دیگران امیدوارند که در پایان زندگی و روزگار، یک عصری برسد که عدل و احسان حکومت کند. خیلی‌ها در انتظار این عصر به سر می‌برند، اینها منتظر مهدی موعودند. ما منتظر ظهور مهدی موجود موعودیم و غیر از انتظار و امید مسئله‌ای به نام مراقبت و رابطه هم داریم که آنها ندارند. اگر معتقدیم که یک شخصی امام زمان است و ما باید به او تعهد بسپاریم و او ولی ماست باید مراقب باشیم که خلاف نکنیم این که فرمود: «و قُلْ إِعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ». [۸] ائمه هم می‌بینند، وجود مبارک حضرت نیز می‌بیند. باید مواظب گفتارمان رفتارمان سیره و صفتمان باشیم غیر از مراقبه مسئله رابطه مطرح می‌شود. مراقبت این است که خلاف نکنیم رابطه این است که علاوه بر این که خلاف نکنیم خودمان را نزدیک کنیم و کمک و فیض بگیریم نه این که فقط مواظب باشیم که نلغزیم بلکه رابطه برقرار کنیم که دستمان را بگیرد. ذیل آیه کریمه «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا». [۹] این حدیث شریف هست که «رابطوا مع إمامکم المهدی المنتظر». [۱۰] یعنی با او رابطه برقرار کنیم

پاورقی

[۱] سوره شعراء (۲۶) آیه ۲۳.

[۲] سوره نازعات (۷۹) آیه ۲۴.

[۳] سوره طه آیه ۵۰.

[۴] سوره قصص (۲۸) آیه ۳۸.

- [۵] محمدبن یعقوب کلینی الکافی ج ۱، ص ۳۲، ح ۲.
- [۶] نهج البلاغه ص ۳۷۴ خطبه ۱۶.
- [۷] محمدبن یعقوب کلینی همان ج ۳، ص ۲۰۸، ح ۷.
- [۸] توبه (۹) آیه ۱۰۵.
- [۹] سوره آل عمران (۳) آیه ۲۰۰.]
- [۱۰] محمدبن ابراهیم نعمانی کتاب الغیبه ص ۱۹۹، ح ۱۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

